

بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی و سیاسی در شعر جواهری و فرخی یزدی

شمسی واقف‌زاده*

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۱۳

چکیده

جواهری و فرخی از پرچم‌داران نهضت ادبی در شعر ملی هستند؛ شعرشان سرشار از مضامین مشترکی است که خود ناشی از داشتن حوزه‌های مشترک فکری، موضع‌گیری برخاسته از فرهنگ مشابه و هم‌چنین سرنوشت تاریخی یکسان است. شخصیت بیگانه‌ستیز و سیاسی آن دو را نمی‌توان انکار کرد. هر دو به پهنای کتاب تاریخ معاصر، عصری پرتلاطم، سرنوشت‌ساز، جنگ‌های جهانی، حکومت‌های پر از کودتا و تعویض، هجوم و مقاومت را دیده‌اند و دریافته‌اند که در این میان استعمار، کارگردان تمام رنج‌ها و تاخت و تازها بر پیکره ملت‌ها است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است.

کلیدواژگان: جواهری، فرخی یزدی، جامعه، سیاست، فارسی، عربی.

* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین-پیشوا، ورامین، ایران (استادیار).
shvaghezadeh@yahoo.com

مقدمه

جوهری شاعری است نئوکلاسیک که به تجدید در چارچوب تقلید معتقد است (واقف زاده، مجله دانشنامه، شماره ۶۸: ۱۵۶-۱۴۱). او ملقب به "ابو فرات" است، و بسیاری معتقدند امارت شعر بی هیچ تردیدی به او ختم می‌شود (حریرچی و دیگران، فصلیه دراسات الأدب المعاصر، شماره ۱۵: ۱۳۲-۱۱۵).

وی بزرگ‌ترین شاعر عراقی در میان نسل خود محسوب می‌شود که باعث گسترش شعر سیاسی ماندگار در عراق شده است. نگرش سیاسی جوهری منحصر به عراق معاصر نیست؛ وی در برخورد با مسأله فلسطین، تا قبل از ۱۹۴۸م برجسته‌ترین شخصیتی بود که به ضعف بنیان‌های سیاسی اعراب توجه کرد و با لحنی دردناک از آن انتقاد نمود.

او در دو سفر نخست خود به ایران تحت تأثیر طبیعت زیبای ایران قرار گرفت و این سرآغاز دگرگونی شعر وی در دهه دوم و سوم قرن بیستم شد (واقف زاده، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۵: ۱۷۰-۱۵۷).

جوهری در طی حیات خود بارها به منصب‌های مختلف ادبی و سیاسی دست یافت و به دلایل گوناگون از این منصب‌ها استعفا داد یا برکنار شد، وی هم‌چنین سالیان متمادی انتشار، سرپرستی و یا سردبیری روزنامه‌های مختلف مانند «الفرات، الانقلاب، الرأی العام و المعرض» را بر عهده داشت که اغلب آن‌ها به دلایل سیاسی عمر کوتاهی داشتند.

جوهری به دلیل مخالفت با بَکَر صدقی، چند ماهی به زندان رفت. او هم‌چنین مدتی به عنوان پناهنده در سوریه و چکسلواکی اقامت داشت. وی در ۲۷ ژوئیه ۱۹۹۷ در دمشق درگذشت و در زینبیه به خاک سپرده شد (جحا، ۲۰۰۴: ۳۷۸). جوهری آثار بسیاری از خود باقی گذاشته است که از مشهورترین آن‌ها «برید العوره، حلیة الأدب، دیوان بین الشعور والعواطف، دیوان الجواهری، قصاید مختارة، المجموعة الشعرية، و مختارات من الشعر» می‌باشد.

فرخی نیز از شاعران و روزنامه‌نگاران آزادی‌خواه و متعهد صدر مشروطیت بود و همین امر موجب گردید تا سردبیری نشریات حزب کمونیست ایران، از جمله روزنامه طوفان را در دهه ۱۳۲۰ هجری شمسی عهده‌دار گردد (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲۷۱).

اگرچه شاعران بسیاری در راه آزادی قدم برداشتند، اما فرخی یزدی جزء نادر شعرایی است که مفهوم آزادی از عمق جان به کرات در اشعار او دیده می‌شود (آذری شهرضایی، ۱۳۸۱: ۵۰).

غزل‌های فرخی را می‌توان سرآغاز نوعی غزل فارسی به شمار آورد که ما آن را «غزل اجتماعی» و یا «غزل سیاسی» می‌نامیم. بی‌شک شاعران روزگار مشروطه، پیش از فرخی غزل سیاسی - اجتماعی گفته‌اند؛ اما فرخی، هم از جهت تعداد و هم از جهت پیگیری یک گونه در غزل، شاخص‌ترین شاعر در این فرم و قالب است. وی در غزل‌هایش معمولاً ابیاتی را با همان تعبیر و اصطلاحات خاص غزل و گاه با لحنی عاشقانه، آغاز می‌کند و پس از چند بیت، به موضوعات اجتماعی - سیاسی می‌پردازد (باقری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷).

فرخی نمونه‌ای بارز از شاعران عصر بیداری است، عصری که مملو از مبارزات جنبش مشروطه و مؤکد حضور مردم است. مهم‌ترین درون‌مایه‌های شعر او عبارت‌اند از وطن، قانون‌گرایی، تعلیم و تربیت نوین، رویکرد به مردم، توجه به جامعه زنان، عنایت به تمدن جدید و نفرت از دیکتاتوری (حسینی کازرونی، ۱۳۷۸: ۱۰).

فرخی یزدی و جواهری همواره به میهن عشق ورزیده و هدف اصلی سرودن اشعار سیاسی و اجتماعی خود را پیشرفت و آبادانی جامعه و تلاش در راه گسترش و اعتلای فرهنگ عمومی قرار داده بودند.

از جمله مؤلفه‌های مشترکی که باعث می‌شود بتوان شعر سیاسی - اجتماعی فرخی یزدی از ایران و محمد مهدی جواهری از عراق را با هم مقایسه کرد، موارد ذیل می‌باشد:

- حضور استعمار در هر دو کشور

- استبداد حکومت وقت در هر دو کشور
 - هم‌عصر بودن هر دو شاعر
 - بالا بودن بسامد واژه وطن و آزادی در شعر هر دو شاعر
 - طرح مسائل مشترک اجتماعی و سیاسی در شعر هر دو شاعر.
- اگرچه در مورد مضامین مختلف شعری هر یک از این دو شاعر به طور مجزا در کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های متعدد بحث به میان آمده است اما از آنجا که این دو شاعر هر یک به نوبه خود سهمی در پیشبرد نهضت معاصر شعر فارسی و عربی داشته‌اند جای تحلیلی مقایسه‌ای با هدف بررسی و مقایسه ویژگی‌های شعری این دو شاعر از لحاظ مضامین سیاسی و اجتماعی خالی می‌نماید که این جستار سعی در تبیین موارد مذکور دارد.
- در پژوهش حاضر به بررسی فرضیه‌های زیر در رابطه با اشعار این دو شاعر پرداخته می‌شود:
- مضامین سیاسی و اجتماعی بیش‌ترین بسامد را در اشعار فرخی یزدی و جوهری دارد.
 - اشعار فرخی یزدی و جوهری در بیان مضامین سیاسی و اجتماعی هم‌سو می‌باشند.
 - محیط اجتماعی و سیاسی در اشعار فرخی و جوهری تأثیر بسزایی داشته است.
 - هویت ملی در شعر فرخی و جوهری از مؤلفه‌های متعددی من جمله استقلال طلبی، پایداری در برابر ظلم، بیداری مردم شکل گرفته است.

درون‌مایه‌های مشترک سیاسی و اجتماعی در شعر فرخی یزدی و جوهری

تأثیرپذیری شاعران و نویسندگان از شرایط اجتماعی امری است که مورد تأیید اکثر صاحب‌نظران است بین اثر ادبی و اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هم‌خوانی وجود دارد. هرچه این رابطه محکم‌تر باشد اعتبار هنری اثر بیش‌تر است. آثار هنری در مرحله نخست ساخت ذهن نویسنده نیست بلکه

ساخت ذهن کلی اجتماعی است یعنی ارزش‌ها و آمالی که در اجتماع وجود دارند.

وطن‌پرستی

اگر دیوان شاعران این دوره یا روزنامه‌های این زمان را بگشاییم کم‌تر صفحه‌ای است که در آن با مفهوم جدید وطن آشنا نشویم. تأثیرگذاری و شورانگیزی این نوع سروده‌ها دست‌مایه‌ای است برای برانگیختن احساسات ملی و ضد استعماری مردم (آرین‌پور، ۱۳۸۲: ۳۴۸).

گرچه اندیشه‌ها و دیدگاه‌های شعرای این دوره در مورد وطن متفاوت است؛ وجه مشترکی در آن نیز دیده می‌شود و آن علاقه به اعتلای میهن بدون حضور بیگانه و در قالب مملکتی آزاد است.

عشق به وطن در جای‌جای آثار این دو شاعر پیدا است. آنان خدمت به ملت و وطن را وظیفه و سر لوحه اعمال خود می‌دانند.

مرا بارد از دیدگان اشک خونی
بر احوال ایران و حال کنونی
غریقم سرا پای در آب و آتش
ز آه درونی ز اشک برونی
(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۱۹۴)

جوهری به وطن عشق می‌ورزید و با وجود وضعیت بحرانی عراق، آن را بسیار دوست می‌داشت. ناگفته نماند حضور مستقیم جوهری در صحنه‌های سیاسی و وابستگی او به احزاب وطنی در سرودن این اشعار بی‌تأثیر نبوده است (الواعظ، ۱۹۷۴: ۳۴۳).

أنا العراق، لسانی قلبه ودمی
فُرائته وکیانی منه أشطارُ
(جوهری، ۱۹۸۲، ج ۳: ۱۸۹)

- من عراقم، زبانم قلب او و خونم آب فراتش و وجودم پاره‌پاره شده از آن است.

حیاتی للعراق فیدی ووقفاً
علی وطنی ومصلحه کیانی
(جوهری: همان)

- زندگی‌ام فدای عراق من وقف وطنم هستم و مصلحت او موجودیت من است.

افتخار به مفاخر قومی و ملی

هر دو شاعر در این زمینه نیز نقاط مشترک فراوانی دارند؛ به این معنا که تلاش هر دو بر این اصل استوار بوده تا با بهره‌گیری از حس وطن‌دوستی هم‌میهنان خود و با دست‌مایه قراردادن مفاخر قومی و ملی، به تحریک عواطف ملی مردم پرداخته و آن‌ها را بیش از پیش به تلاش برای ساختن آینده جامعه و کشور خود ترغیب نمایند.

هدف فرخی یزدی از اشاره به مفاخر قومی و ملی برانگیختن احساسات مردم بود. هر ایرانی با خواندن این ابیات چنان برمی‌آشوبد که تا رسیدن به هدف خود، یعنی آزادی وطن یا شهادت در این راه، از پای نخواهد نشست.

این همان ایران که منزلگاه کیکاوس بود خوابگاه داریوش و مامن سیروس بود
جای زال و رستم و گودرز و گیو و طوس بود نی چنین پامال جور انگلیس و روس بود

(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۱۸۶)

جواهری در قصیده «الأرض والفقراء» به عقب‌ماندگی و فقرزدگی جوامع عربی با وجود گنجینه‌ها و منابع زیرزمینی فراوان اشاره کرده و شرق عربی را در روزگار گذشته و قبل از ورود بیگانگان جایگاه عدل، مهر، محبت و دارای مردمانی نوع‌دوست معرفی می‌کند.

كَأَنَّتَ جِنَاناً رُؤَاءَ الْعَدْلِ يَنْفَحُهَا
عَطراً وَيَمْلَأُهَا بِشِراً وَأَيْنَاسَا
طَابَتْ رِخَاءَ فَطَابَ الْمُلْكُ مَجْتَمِعاً
مِنْهَا وَطَابَتْ نَفُوسُ الْقَوْمِ إِحْسَاسَا
حَتَّى إِذَا اجْتَاكَ الْأَطْمَاعُ سَاخَتْهَا
تُجَيْلُ فِيهَا مِنَ الْإِدْقَاعِ أَفْرَاسَا
وَخَطَّهَا الظُّلْمُ مِنْ عَلِيَاءِ عَزَّتْهَا
وَسَامَهَا الْخَسْفُ إِفْقَاراً وَإِيلاسَا

(جواهری، ۱۹۸۲، ج ۱: ۱۵۵)

- باغ و بوستان‌هایی بوده‌اند که زیبایی و طراوت عدالت، بوی خوش را بر آن پراکنده و مهر و خرمی را در آن پر می‌کرد.
- سرشار از ناز و نعمت بودند به طوری که به وسیله آن، پادشاهی نیک گشته و احساس خوش‌آیند به مردمش دست داد.
- تا آن هنگام که آزمندان بر پهنه‌اش دست یافتند و اسب‌هایی از فقر و بدبختی را در آن به حرکت در آوردند.
- و ستم، آن را از جایگاه باعزت‌ش به پایین کشید و انحطاط، فقر و ورشکستگی را برای آن به بار آورد.

مخالفت با استبداد داخلی و وابستگی به بیگانگان

یکی از زمینه‌های مشترک دو شاعر در مبارزات آن‌ها بحث مخالفت با حکومت‌های دست‌نشانده غرب در کشور و دعوت به اتحاد مردم در مبارزه با این حکومت‌های فاسد و استبدادگر است.

درباره مخالفت با ظلم و ستمی که به مردم وارد می‌شود زبان فرخی یزدی بسیار برنده است. فرخی طی سال‌ها مبارزه هیچ‌گاه دست از فعالیت‌های سیاسی برداشت و شاید بیش‌تر عمر خود را در زندان به سر برد.

این ستمکاران که می‌خواهند سلطانی کنند	عالمی را کشته تا یک دم هوسرانی کنند
جشن و ماتم پیش ما باشد یکی چون بره را	روزگار جشن و ماتم هر دو قربانی کنند
با چنین نعمت که می‌بینند مردم را رواست	شکرها تقدیم دربار بریتانی کنند

(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۱۱۸)

جو/هری حاکمان را مورد سرزنش قرار می‌دهد و به آن‌ها می‌گوید که تحمل این

رفتار پست آن‌ها بهایی است که مردم برای آزادی خود می‌پردازند:

یا ایُّهَا الْمَتَحَكِّمُونَ وَإِنَّا	ودمءنا مثل البهیم جباراً
قُولُوا الصَّحِيحَ سَنَسْتَبِيحُ جُلُودَكُمْ	لِلسَّالِحِينَ لَأَنَّاكُمْ أَحْرَارُ

(جواهری، ۲۰۰۸: ۶۰۰)

- ای کسانی که بر ما حکم می‌رانید در نزد شما ما و خونمان مثل خون چهارپایان

هدر است

- واقعیت را بگویید که ما به سلاخان اجازه کندن پوست شما را بدان جهت دادیم که شما جماعتی آزاده هستید.

مبارزه با سیاست‌های استعماری غرب

به جرأت می‌توان گفت که هدف هر دو شاعر از سرودن اشعار سیاسی و وطنی خود در وهله اول مخالفت با دولت‌های بیگانه و در وهله دوم بیرون راندن این دولت‌های استعمارگر از کشور بوده است.

فرخی یزدی در پی مبارزه با کشورهای روسیه و به‌خصوص انگلیس بوده و همه تلاش خود را برای از میان برداشتن دولت‌های دست‌نشانده آن‌ها می‌کند.

حاليا کز سلم و تور و انگلیس و روس هست

ایرج ایران سراپا دستگیر و پای بست

به که از راه تمدن ترک بی مهربی کنی

در ره مشروطه اقدام منوچهری کنی

(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۱۱۸)

جواهری معتقد است که حاکمان، دست‌نشانندگان استعمار انگلیس و فرانسه هستند و آن‌ها عاملان اصلی اوضاع نابسامان این کشورها هستند:

فرنسا ما اقبَحَ المُدَّعی کذاباً وَمَا أَخْبَثَ المُدَّعی

لک الویلُ مِن رائمٍ أَطعمت دَمَ الرّاضعینَ وَلَم تَشَبَع

(جواهری، ۲۰۰۸: ۶۸۱)

- ای فرانسه چه زشت است ادعای دروغین و چه نابکار ادعاکننده‌ای هستی مرگت باد!

- چه بد دایه سیری‌ناپذیری هستی که خوراکت خون بچه‌های شیرخوار است.

دعوت به اتحاد، انقلاب و آزادی

هر دو شاعر با سرعت گرفتن دخالت بیگانگان در کشور احساس خطر کرده و تنها راه حل و گره‌گشای مشکلات را در انقلاب فراگیر مردمی می‌دانند.

در شعر فرخی مفهوم آزادی، مفهوم طبقاتی روشن به خود می‌گیرد و طبقات زحمتکش به مبارزه برای رسیدن به آزادی فرا خوانده می‌شوند. مبارزه‌ای که چندین جا به روشنی از آن به جنگ طبقاتی تعبیر شده است. او در اشعارش به آزادی پایبند است و می‌کوشد همه مردم در راه رسیدن به آزادی قدم بردارند.

در کف مردانگی شمشیر می‌باید حق خود را از دهان شیر می‌باید
تا که استبداد سر در پای آزادی نهد دست خود بر قبضه شمشیر می‌باید
(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۹۳)

جواهری در باب وحدت ملی سروده:

مُدَى إِلَى يَدَا تُمَدُّ إِلَيْكَ يَدٌ لَابُدَّ فِي الْعَيْشِ أَوْ فِي الْمَوْتِ نَتَّجِدُ
(جواهری، ۱۹۸۲، ج ۲: ۳۹۵)

- به سویم دستی دراز کن تا دستی به سویت دراز شود. در مرگ و زندگی به ناچار باید متحد بود.

ستایش بزرگان وطنی

از خصوصیات شعر وطنی فرخی یزدی و جواهری، ستایش بزرگان و متفکرین و نام‌آوران است که این بزرگان یا متعلق به دوره آن‌ها می‌باشند و یا متعلق به دوره‌های قبل؛ البته گاه نام این افراد در شعر به صراحت ذکر نمی‌شود و تنها از طریق قراین تاریخی و یا توضیحات خود شاعر می‌توان فهمید که شعر در ستایش چه کسی سروده شده است.

فرخی یزدی ابیات زیر را به مناسبت قتل مرحوم عشقی سروده است:

یکدم دل ما غمزدگان شاد نشد ویرانه ما از ستم آبادنشد
دادند بسی به راه آزادی جان اما چه نتیجه ملت آزاد نشد
(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۲۴۰)

جواهری در گرامیداشت شهدای معاهده پورتموث در سال ۱۹۴۸م خطاب به شهدای

این واقعه می‌گوید:

أَتَعْلَمُ أَمْ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ بَأَنَّ جِرَاحَ الضَّحَايَا قَمٌّ

أَتَعَلَّمَ أَنْ جَرَّاحَ الشَّهِيدِ

تَطْلُبُ عَنِ الثَّارِ تَسْتَفْهِمُ

(جواهری، ۲۰۰۸: ۵۰۲)

- آیا خبر دارید یا نمی‌دانید که زخم‌های قربانیان هر کدام یک دهان گویا است.
- آیا می‌دانید که جراح شهید در پی چگونه انتقام گرفتن است و از آن روش سؤال می‌کند.

اهتمام به سرنوشت سایر ملل

توجه به سرنوشت دیگر کشورهای جهان موضوعی است که هر دو شاعر به آن توجه داشته‌اند:

نمود همچو ابوالهول رو به ملت روس بلای قحط و غلا با قیافه منحوس
فتاد هیکل سنگین دیو پیکر قحط به روی قلب دهاقین روس چون کابوس
یکی ز کثرت سختی ز عمر خود بیزار یکی ز شدت قحطی ز زندگی مأیوس
کنون که ملت روس است با مجاعه دچار گه تهمت‌نی است ای سلاله سیروس
(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۱۵۱)

جوهری نیز شاعری است که تنها به سرنوشت عراق توجه نمی‌کرده بلکه به سرنوشت سایر ملل اهمیت می‌داده و در جای جای دیوانش اشعاری به مناسبت اوضاع و سرنوشت سایر ملل سروده است. مسأله فلسطین از اهمیت ویژه‌ای در دیوان اشعار جوهری برخوردار است:

فَاضَتْ دُمُوعَ فِلَسْطِينَ مُذَكَّرَةً جُرْحاً بِأَنْدُلُسٍ لِأَنَّ مَا التَّمَأَمَا
(جواهری، ۱۹۸۲، ج ۱: ۲۰۸)

- اشک‌های ریزان فلسطین یادآور زخم و جراح اندلس است که تا کنون التیام نیافته است.

در سال ۱۹۶۰ سفارت هند در بغداد به مناسبت تکریم از شخصیت گاندی این شخصیت مبارز با استعمار مراسمی برگزار کرد. جناب جوهری در آن مراسم قطعه‌ای خطاب به گاندی چنین سروده‌اند:

لَسْتَ بِالسَّاحِرِ الْعَجِيبِ كَمَا قَا لَوْأَ وَلَكِنْ إِرَادَةٌ وَمَضَاءُ

صَانَ غاندى دمَ الأجموعِ وصَا
نَ الهندي أن تستبيحها شعواء
ليستَ بالساحرِ العجيبِ ولكن
قَدْرُ خانَ وَعَدُّهُ وَقَضَاءُ
(جواهری، ۲۰۰۸: ۷۴۱)

- تو آنگونه که گفته‌اند افسونگری عجیب نیستی، بلکه تو مظهر اراده و قاطعیت هستی.
- گاندی خون مردم را از ریختن و هند را از اینکه جنگ آن را ریشه‌کن کند حفظ کرد.
- تو افسونگر عجیب نیستی بلکه تو عین قضا و قدر هستی که به موقع فرا رسیده است.

انتقاد از عملکرد دستگاه‌های دولتی

تقریباً یک سوم غزلیات فرخی را انتقاد از عملکرد دستگاه‌ها و رجال دولتی تشکیل می‌دهد. این انتقادهای غالباً جنبه کلی دارند و کم‌تر از اسم خاصی انتقاد شده است. در بین واژه‌های مورد انتقاد شاه، لیدر، وکیل، کابینه، مجلس، شیخ، زاهد، سرمایه‌دار و ... به چشم می‌خورد.

محو شد ایران ز اقدام قوام السلطنه
محو بادا در جهان نام قوام السلطنه
(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۲۰۴)

جواهری بر این عقیده است که اگر فساد سیاسی و اداری در میان سیاستمداران فاسد و رهبران مستبد نبود، استعمار و دست‌نشانندگان آن هرگز به مقاصد شوم خود دست پیدا نمی‌کردند. او در این باره چنین سروده:

ولقد بکیتُ وما البکاءُ بِمُرجع
مُلکاً بِشَهوةِ مالکیهٍ بیعاً
رفعوا القصور علی کواهل شعبهم
وتجاهلوا حقاً له مشروعا
ساسوا الرعیة بالغرورِ سیاسةً
لا یرتضیها من یسوسُ قطیعا
(جواهری، ۱۹۸۲، ج ۱: ۲۶۳)

- و گریستم در حالی که گریه، سرزمینی را که صاحبانش آن را با هوسرانی فروخته‌اند باز نمی‌گرداند.

- با بهره‌کشی از ملت قصرها را بالا بردند و حق مشروع آن ملت را انکار نمودند.
- با فریب به اداره امور ملت پرداختند در حالی که این نوع (سیاست) را چوپان هم نمی‌پسندد.

انتقاد به مجلس وابسته

نگرانی از وجود نمایندگان دست‌نشانده غرب در مجلس وجود مجالس سفارشی و پیر از دست‌نشانده‌گان دولت حاکم و عمال انگلستان و کابینه‌های فاسدی که جز به منافع بیگانگان به چیز دیگری فکر نمی‌کردند، از جمله اموری بود که هر دو شاعر در کشور خود از آن رنج می‌بردند، به‌ویژه که هم فرخی و هم جوهری مدتی را به عنوان نماینده مجلس در جمع این دغل‌بازان و وطن‌فروشان بودند. فرخی در ابیاتی به نمایندگانی اشاره می‌نماید که برای راه‌یافتن به مجلس به خرید آراء اقدام می‌نمایند و آن‌ها را افرادی غارتگر و رشوه‌گیر معرفی می‌نماید که به تهی‌مغزی خود ثروت مملکت را به جیب بیگانگان می‌ریزند تا از این راه حق دلالی خود را ستانده و جلوی آن‌ها کاسه‌گذاری به دست گیرند:

آنکه از آرا خریدن مسند عالی بگیرد	مملکت را می‌فروشد تا که دلالی بگیرد
یک ولایت رابه غارت می‌دهد تا با جسارت	تحفه از حاکم ستاند، رشوه از والی بگیرد
از تهی مغزی نماید کیسه بیگانه را پر	تا به کف بهر گدائی، کاسه خالی بگیرد

(سپانلو، ۱۳۷۵: ۱۱۴)

جوهری در قصیده‌ای به نام «المجلس المفجوع» چنین سروده است:

وَلَقَدْ أَقُولُ لِرَافِعِينَ أَصَابِعَهَا	لیست تُحِسُّ كَأَنَّهَا أَحْطَابُ
رهن الإشارة تختفی أم تعتلی	وینالُ منها السَّلْبُ والإیجابُ
ماذا نُویتُم سادتی: هل أنتم	بعد الرئیس، كَعَهْدِهِ، أَخْشَابُ

(جوهری، ۱۹۸۲، ج ۱: ۲۷۱)

- به نمایندگانی که انگشتان خویش را جهت رأی‌گیری بالا می‌برند می‌گویم در این انگشتان هستی نیست گویی چوب‌های بی حس و اراده‌اند.

- این انگشتان که با آن رأی مثبت یا منفی می‌دهید چه بالا بیایند و چه پنهانشان دارید در رهن هستند.
- ای سروران من چه چیزی را قصد می‌کنید؟ آیا جز این است که شما بعد از رئیس جمهور هم همچو زمان او تکه چوبی بیش نیستید.

توجه به مظلومین جامعه

فرخی یزدی و جواهری به شرایط حاکم بر کشور خود توجه فراوانی نشان داده و حتی در برابر کوچک‌ترین مسأله مرتبط با اوضاع و احوال جامعه نیز شعر سروده و سعی آن‌ها در برطرف‌نمودن ضعف‌ها و نابسامانی‌های موجود در کشورشان استوار بوده است.

البته با این تفاوت که در بحث توجه به قشر مظلوم و ستم‌دیده، سمت و سوی نگاه فرخی بیش‌تر به طرف دهقانان و کارگران و مبارزه با سرمایه‌داری متمایل بوده، حال آنکه جواهری بیش‌تر به بررسی اوضاع و احوال زنان و کودکان و یتیمان جامعه‌گرایش دارد. هر دو شاعر در مسأله فقر نیز در این زمینه مطالبی را بیان نموده‌اند. فرخی خود دهقان‌زاده است و در اشعار خود به این امر افتخار می‌کند:

من آن خونین‌دل زارم که خون خوردن بود کارم

مباهاتی که من دارم ز دهقان‌زادگی دارم

(سپانلو، ۱۳۷۵: ۴۴)

فرخی در یکی از قصاید خود رضاخان را به عیش و نوش و خوش‌گذرانی و بی‌توجهی به مردم متهم نموده و سپس، به ظلم نظام سرمایه‌داری اشاره کرده و تنها راه رفع و دفع آن را قیام کارگران می‌داند:

سرپرست ماکه می‌نوشد سبک رطل گران را

می‌کند پامال شهوت دسترنج دیگران را

پیکر عریان دهقان را در ایران یاد نارد

آنکه در پاریس بوسد روی سیمین پیکران را

شد سیه‌روز جهان از لکه سرمایه‌داری

باید از خون شست یکسر باختر تا خاوران را

انتقام کارگر ای کاش آتش بر فرورد

تا بسوزد سر به سر این توده تن‌پروران را

(همان: ۱۰۳)

از دیگر مشکلات اجتماعی که جواهری به آن پرداخته مسأله فقر و فقدان عدالت

اجتماعی است؛ وی خود را پیامبری می‌بیند که پیامش رنج ستمدیدگان است:

وَبِوَحْيِ كَدْحِ الْكَادِحِينَ رِسَالَتِي وَعَلَى يَدِيهِ تَنْزَلَتْ آيَاتِي

لَوْ جَدْتَنِي وَالْبَائِسِينَ كَمَا التَّقْت جَنْباً إِلَى جَنْبِ جُذُورِ نِبَاتِ

(جواهری، ۱۹۸۲، ج ۴: ۷۲۷)

- و رسالت من وحی و الهام رنج رنجبران است، و آیات اشعار من بر دستان ایشان

فرود آمده است.

- خودم را چون ریشه‌های بهم‌پیچیده گیاهان با بینوایان دوشادوش می‌یابم.

در سال ۱۹۵۱ در قصیده مشهور «تنویه الجیاع» به بیان وضع گرسنگان و پیامدهای

ناشی از گرسنگی می‌پردازد و از نظام اقتصادی آن زمان شکایت می‌کند. در این شعر از

ملت می‌خواهد که اگر می‌خواهند از ستم و ظلم در امان باشند، باید تا قیامت به خواب

فرو روند تا وقتی که اجازه بلند شدن به آن‌ها داده شود. طنزگونه بودن این شعر سبب

تأثیر دو چندان آن بر خواننده می‌شود و این فاصله طبقاتی را با تمسخر بیان می‌کند:

نَامِي جِيَاعِ الشَّعْبِ نَامِي حَرَسَتْكَ آلِهَةُ الطَّعَامِ

نَامِي فَإِنْ لَمْ تَشْبَعِي مِنْ يَقْظَةِ فَمِنْ الْمَنَامِ

نَامِي تَزْرِكُ عَرَائِسُ الْـ أَحْلَامِ فِي جُنْحِ الظَّلَامِ

نَامِي تَصَحِّي! نَعْمَ نُو مِ الْمَرءِ فِي الْكُرْبِ الْجَسَامِ

نَامِي إِلَى يَوْمَا لِلنَّشْو رِ يَوْمِ يُوْذَنُ بِالْقِيَامِ

(جواهری، ۱۹۸۲، ج ۳: ۷۴)

- بخوابید! ای گرسنگان ملت بخوابید امید که خداوندگاران طعام، نگهبان شما

باشند.

- بخوابید، اگر از بیداری سیر نمی‌شوید پس از خواب سیر شوید.
- بخوابید تا عروس رؤیاها شما را در تاریکی زیارت کند.
- بخوابید تا سالم بمانید در گرفتاری‌های بزرگ. خواب برای انسان چقدر خوب است.
- بخوابید تا روز قیامت اجازه برخاستن بیابید.

توجه به کارگران و زحمتکشان

فرخی در مورد دهقانان و کارگران چندین قصیده سروده که مضامین آن عبارت‌اند از دفاع از دهقان و کارگر، نیاز جامعه به آن‌ها، سرزنش سرمایه‌داران به خاطر عدم رعایت حق کارگران، مخالفت با دولت حاکم پهلوی به علت عدم توجه به نیازهای کارگران و کشاورزان و در نهایت، دعوت به قیام برای نابودی این دولت ظالم. جواهری در روز کارگر در جشن‌های آنان شرکت می‌کرده است و اشعاری را برای ایشان می‌سروده است:

أنا عاملٌ بالكفرِ اعْمِلْ معولِي
فِي صَخْرَةٍ فاحيلُها لِفُتاتِ
فِي الكفِّ مطرقتي أَفْلُ بِحدِّها
أصلابِ أوغادٍ وَهَامَ طُغاةِ
(جواهری، ۱۹۸۲، ج ۵: ۷۲۷)

- من آن کارگری هستم که با اندیشه خود تیشه‌ام را در صخره‌ای سخت به کار می‌برم و آن را به براده‌هایی نرم تبدیل می‌کنم.
- در دستم چکشی است که با آن کمرهای فرومایگان و سرهای سرکشان را می‌شکافم.

نکوهش جهل

هر دو شاعر از جمود و سکون و جهل ملت ناراضی هستند و آن را آسیبی بزرگ برای ملت می‌شمارند و جهل و سهل‌انگاری و سستی را به عنوان عواملی بازدارنده، که بر تفکر و عمل مردم سایه انداخته‌است؛ لذا زبان به شکایت گشوده و یأس خود را از ناآگاهی و بی‌توجهی مردم نسبت به مصالح خودشان ابراز می‌کنند.

تا نشود جهل ما به علم مبدل
توده ما فاقد حقوق سیاسی است

پیش ملل بندگی ماست مسجل
تا نشود جهل ما به علم مبدل
(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۲۰۱)

جوهری می گوید برای دفاع از میهن، جوانان شرایط فکری فرهنگی خویش را عوض کرده و تنها راه نجات ملت و آزادگی را دانایی و نجات از گمراهی می بیند.

عَلَىٰ اَنَّیْ اَسْ لِعَقْلِ مُهْدَبٍ وَقَلْبِ شَجَاعٍ اَنْ یَّرُوْحَ ضِیَاعًا
وَجَدْتُ جَبَانًا مِنْ وَجَدْتُ مُهْدَبًا وَجَدْتُ جَهْلًا مِنْ وَجَدْتُ شَجَاعًا
(جوهری، ۲۰۰۸: ۳۶۵)

- گرچه من برای تباه شدن عقل های پاک و قلب های شجاع غمگین می شوم.
- لیکن چون خوب نگاه می کنم درمی یابم کسی که مهذب است ترسوست و آنکه شجاع است بسیار نادان.

بحث و تفسیر یافته های پژوهش

جایگاه وطن دوستی و بیداری در اشعار فرخی یزدی و جوهری

ایران، عشق به وطن، تلاش برای سربلندی ایران، بیداری و آزادی مردم از مهم ترین خصیصه های اخلاقی و اجتماعی فرخی یزدی بوده است؛ که در سراسر آثار و نوشته های فرخی خود را نشان می دهد.

فرخی خود و شعرش عالی ترین نماد مقاومت مردم ایران در عصر مشروطه و ابتدای عصر استبداد رضاخانی هستند. دید فرخی یزدی فقط به جامعه ایران معطوف بوده و بیش تر برای نجات ایران از شرایط نابسامانی که در آن گرفتار شده تلاش کرده و در این راه از مضامین قومی و ملی ایران باستان کمک می گیرد.

جوهری به سیاست و جامعه نگاه ویژه ای دارد. او بیش از شاعران دیگر عشق و علاقه خود را به وطن نشان داده است. جوهری به دلیل شرایط سیاسی و اجتماعی - حضور بیگانگان در کشور - در اشعار خود مردم را به هوشیاری، حرکت به سوی آینده، دفاع از وطن و خروج استعمارگران از کشورشان تشویق می کند و این امر مهم به دست نمی آید؛ مگر اینکه با هم وحدت داشته باشند.

جوهری از عاشقان وطن می‌باشد و برای نشان‌دادن این علاقه به گذشته نیز رجعت می‌کند و به آن افتخار می‌کند. وطن از دید جوهری عراق است، چه عراق گذشته و چه عراق امروز.

هم‌سوئی اشعار فرخی یزدی و جوهری در بیان مضامین سیاسی و اجتماعی

اشعار فرخی یزدی و جوهری در بیان موضوعاتی مثل وطن‌دوستی، بیداری (آزادی) تا حد زیادی و شاید کاملاً همسو با یکدیگر بوده‌اند. هر دو وطن‌دوست می‌باشند. از وضعیت کنونی دوران خود هر دو شاعر شاکی بوده‌اند و برای آرامش خود به میهن باستان روی آورده‌اند. هر دو شاعر مردم را به وحدت تشویق می‌کنند و لازمه مبارزه با ظلم و ستم استعمار را وحدت مردم می‌دانند. تلاش هر دو شاعر بر آگاهی‌دادن مردم و مبارزه با جهل بوده است.

تأثیر محیط اجتماعی و سیاسی در اشعار فرخی یزدی و جوهری

با توجه به دوره‌ای که هر دو شاعر در آن زندگی می‌کردند، با مشکلات و درگیری‌های سیاسی و اجتماعی زیادی مواجه بوده‌اند. از جمله، مواردی چون وجود دولت‌های مستبد و زورگو در کشور، دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم استعمارگران غربی و در رأس آن‌ها انگلستان و روسیه، وجود ضعف و عقب‌ماندگی‌های سیاسی، مشکلات مختلف اجتماعی چون فقر، بیسوادی، بیکاری. وجود اقشار مستضعف و ستمدیده در جامعه مانند کارگران، کشاورزان، زنان، کودکان، یتیمان و ...؛ تأثیر تمامی این وقایع را در شعر فرخی و جوهری به راحتی می‌توان دید.

مؤلفه‌های هویت ملی در شعر فرخی یزدی و جوهری

توجه فرخی یزدی و جوهری به هویت ملی بیش‌تر بر مبنای وطن‌دوستی بوده است. یکی از دغدغه‌های مهم زندگی این دو شاعر، بازگشت میهنشان به شکوه پیشین خود و

دستیابی به استقلال و آزادی پایدار بود. یادکرد از قهرمانان مذهبی و ملی در اشعار فرخی یزدی و جوهری به صورت پررنگ دیده می‌شود. آن‌ها با یاری جستن از این عناصر می‌کوشند تا فضای مبارزه را برای مخاطبان شعر خویش ملموس ساخته و مردم را به پایداری در برابر تمامی عوامل ظلم و استبداد ترغیب و تشویق سازند.

نتیجه بحث

با بررسی مضامین سیاسی-اجتماعی این دو شاعر، وجوه اشتراک متعددی به چشم می‌خورد از جمله اینکه هر دو شاعر، از شاعران انقلابی و متعهدی بودند که در راه اصلاح و بیداری افکار مردم گام نهادند و علیه جور و ستم حاکمان زمان خود قیام کردند. وطن‌دوستی و بیداری جوهره اصلی شعر این دو شاعر را تشکیل می‌دهد. هر دو شاعر علیه ضعف و نابسامانی‌های موجود در کشور مبارزه کرده و توجه نشان داده‌اند. هر دو شاعر به شدت با استبداد و استعمار مبارزه کرده و زیر بار ظلم و ستم نمی‌روند و تنها راه نجات مردم خود را اتحاد با یکدیگر می‌دانند.

اهتمام به هویت ملی و میهن باستانی در اشعار هر دو شاعر به چشم می‌خورد. هر دو با افتخار از گذشته وطن خود یاد می‌کنند. جوهری در طول زندگی خود هرگز دست از مبارزه بر نداشت. فرخی یزدی نیز همواره با زبانی تند و برنده به مبارزه علیه ظلم و بیادگری پرداخته و حتی همین امر باعث دوخته شدن لبان او توسط حاکم وقت یزد گردید و بارها و بارها روانه زندان شد.

کتابنامه

- آرین پور، یحیی. ۱۳۸۲، *از نیما تا روزگار ما*، تهران: زوار.
- آذری شهرزایی، رضا. ۱۳۸۱، *فرخی یزدی؛ سرانجام یک رؤیای سیاسی*، تهران: شیرازه.
- باقری، ساعد و سهیل محمودی. ۱۳۸۹، *در هوای آزادی؛ گزیده شعر فرخی یزدی*، تهران: امیرکبیر.
- جحا، میشل خلیل. ۲۰۰۴م، *الشعر العربی الحدیث*، بیروت: دارالعودة.
- الجواهری، محمد مهدی. ۲۰۰۸م، *دیوان الجواهری (الاعمال الكاملة)*، چاپ دوم، بغداد: دار الحریره للطباعة والنشر.
- الجواهری، محمد مهدی. ۱۹۸۲م، *دیوان*، چاپ سوم، بیروت: دار العودة.
- حسینی کازرونی، سید احمد. ۱۳۷۸، *دیوان فرخی یزدی*، تهران: ارمغان.
- سپانلو، محمدعلی. ۱۳۷۵، *چهار شاعر آزادی*، تهران: نگاه.
- صدر هاشمی، محمد. ۱۳۶۳، *تاریخ جراید و مطبوعات ایران*، اصفهان: کمال.
- فرخی یزدی، محمد. ۱۳۸۹، *دیوان*، به اهتمام حسین مکی، تهران: امیرکبیر.
- الواعظ، رؤوف. ۱۹۷۴م، *الاتجاهات الوطنية فی الشعر العراقي الحدیث*، بغداد: دار الحریره.

مقالات

- حریرچی، فیروز و مهدی ممتحن و رحیم انصاری پور. ۱۳۹۱، «التناقض فی شعر محمد مهدی الجواهری»، فصلیة دراسات الادب المعاصر (ISC)، سال ۴، شماره ۱۵.
- واقف زاده، شمس. ۱۳۸۷، «تقلید و تجدید در شعر نئوکلاسیک عراق»، مجله دانشنامه، دوره ۱، شماره ۲.
- واقف زاده، شمس. ۱۳۸۷، «تأثیر فرهنگ و ادبیات پارسی بر شعر محمد مهدی جواهری»، مجله ادبیات تطبیقی (ISC)، دوره ۲، شماره ۵.